

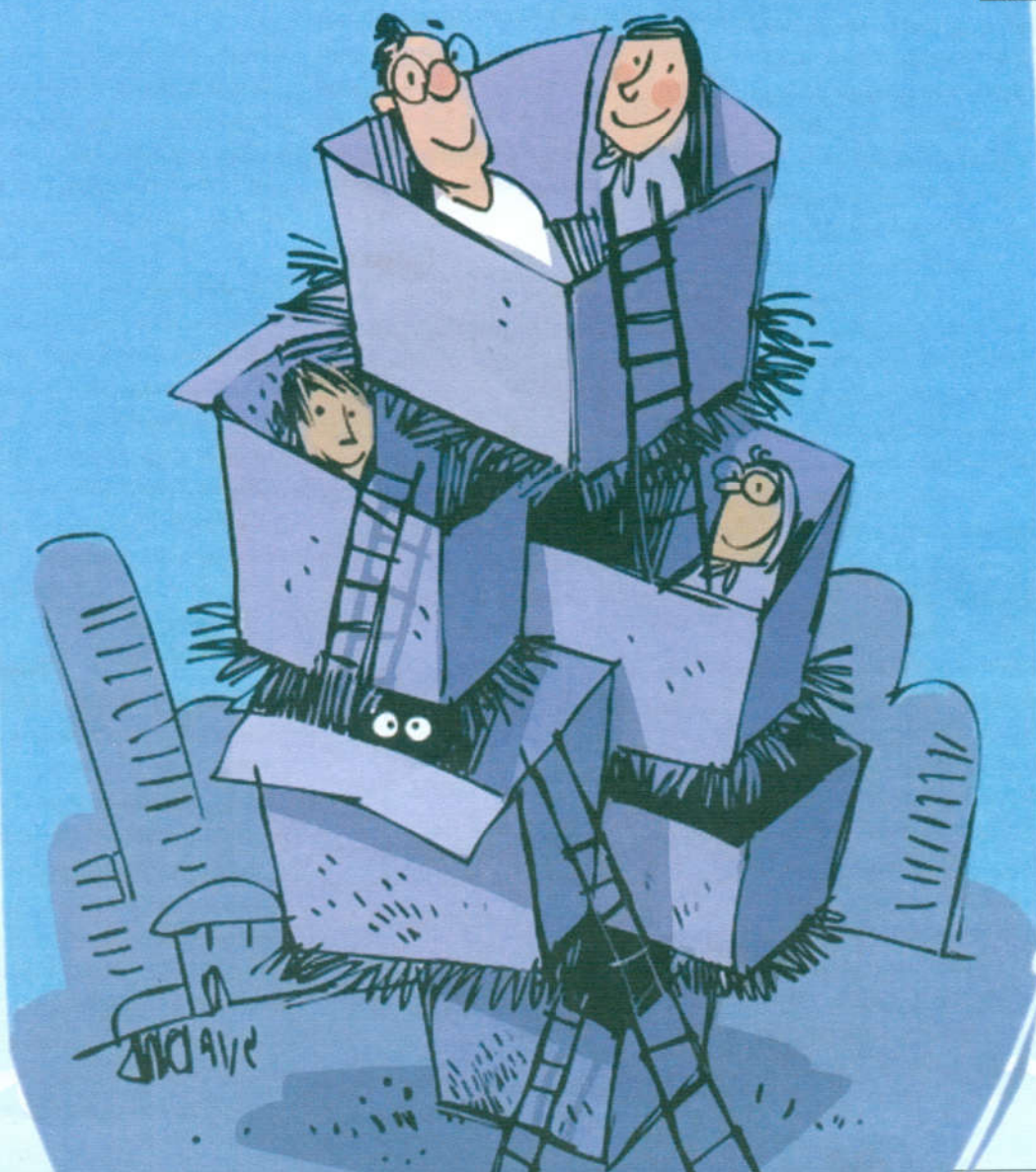
اشاره:

آیا می‌دانی به کسی که خانه‌اش پهلوی خانه شماسست می‌گویند هم‌سایه؟
ای بابا! من هم چه سؤال‌هایی می‌پرسم. خب معلوم است که می‌دانی. فقط شاید این روزها این واژه کمی برایت غریب و نامأنوس شده باشد. شاید جایی آن ته‌های مغزت ته‌نشین شده باشد؛ فقط همین! ولی خودمانیم، چه واژه عجیب و غریبی؛ هم‌سایه. یعنی کسی که سایه‌اش با سایه ما قرابت و نزدیکی دارد؛ مثل همسر، هم‌ردیف، هم‌معنی و...

بگذار بداند که سیب زمینی نیستی

سبک
زندگی

سیده عذرا موسوی





یعنی این جناب هم‌سایه، چنان نقش کلیدی‌ای در زندگی آدم داشت که اول باید او را می‌دید و بعد خانه می‌خریدی. یعنی اگر از احوالش با خبر بودی، اسمت فصول نبود؛ از برادر نزدیک‌تر بود.

ولی حالا دیگر دوره و زمانه عوض شده. حالا

می‌گویند، «چاردیواری، اختیاری» یا «هم‌سایه یکی،

خدا یکی، یار یکی»؛ یعنی یک چیزی تو مایه‌های همان شعار منسوخ «فرزند کمتر، زندگی بهتر». همین می‌شود که خاطره‌هایی از این دست که در ذهن من نقش بسته، در کنج ذهن هر کدام از ما ثبت می‌شود.

یک سوال دیگر:

آیا می‌دانی هم‌سایه طبقه بالایتان کیست؟ اصلاً چند نفرند؟ چه کاره‌اند؟ پیرند یا جوان؟ اهل همین شهر هستند یا که این‌جا غریبند؟ هم‌سایه طبقه پایین چطور؟ سمت چپی؟ سمت راستی چپی؟ نه؟! نمی‌دانی؟ ای بابا! پس تو چی می‌دانی؟ این کارها فضولی است؟ جدا؟

یادش بخیر! آن قدیم ندیدیم‌ها...

سال هزار و سیصد و درشکه؟ نه حالا آن قدر قدیم، همین ده، دوازده سال پیش. همین ده، دوازده سال پیش مردم می‌گفتند، «اول هم‌سایه را بپرس، بعد خانه را بخر» یا «هم‌سایه نزدیک، به از برادر دور است» یا چه می‌دانم، «هم‌سایه نیک در جهان، فضل خداست».



لبخندی زد و گفت: «خانم واحد کناری، باردار است. می‌گوید، وقت‌هایی که سیرم و بوی کباب به مشامم می‌رسد، دلم به هم می‌پیچد و معده‌ام می‌خواهد از جا کنده شود و شب‌هایی که گرسنه‌ام، ضعف می‌کنم.»

حالا اگر می‌توانی بیا دست و پای بوی کباب

را غل و زنجیر کن که «آقا جان! گفتند چاردیواری،

اختیاری. پایت را از این در بیرون گذاشتی، نگذاشتی‌ها!؟

دلم به حال زن هم‌سایه و بچه‌های واحدهای دیگر سوخت. پیامبر مهربانی فرموده است:

«ای علی! هر کس هم‌سایه خود را بیازارد، از رحمت خدا محروم است.»^۱

آن هم درست در زمانی که آن قدر درباره هم‌سایه سفارش می‌کرد که

اصحاب گمان بردند که هم‌سایه از هم‌سایه ارث می‌برد.^۲

هم‌سایه‌های محروم از رحمت خدا

تایستان بود و خانه یکی از دوستان مهمان بودم. هوا گرم بود و خانه دم کرده، دوستم پنجره را باز کرد و پرده را کنار زد تا هوا کمی عوض شود. چیزی نگذشته بود که بوی کباب، مشامم را پر کرد. ناخودآگاه یاد تبلیغ طولانی و حوصله‌ساز بر «کباب‌پز» افتادم که از ساختارش پیداست برای شبکه بازار ساخته شده است، ولی نمی‌دانم چرا هر شبکه را که می‌زنی، مردی هیجان‌زده و با نشاط برای «همه اونایی که مزه کباب ایرانی رو دوست دارن»، ولی می‌دانند که «توی این آپارتمان‌ها و آشپزخانه‌های کوچک و بی‌منفذ، پختن کباب کار ساده‌ای نیست»، کباب‌پز را پیشنهاد می‌کند که شماره ثبت اختراع و کلی امکانات دیگه برای تهیه یک کباب خوب دارد!

دوستم تندی پنجره را بست و گفت: «کار طبقه بالایی‌هاست. هر شب بساط منقل و کباب‌شان به راه است.»

گفتم: «هم‌سایه‌های دیگر ناراحت نمی‌شوند؟»



هم‌سایه با معرفت دارند، یکی از برادر نزدیک‌تر دارند که توی روز مبادا به دردشان می‌خورد.

چقدر این حرف‌ها روی دلم سنگینی می‌کرد.

چه خوب که این‌ها را به تو گفتم. فقط یک

حرف دیگر دارم. قول می‌دهم که خیلی وقت

را نگیرم. می‌خواهم امروز هم چشم و دل‌مان را

روشن کنیم به این آیه که: «و خدا را بپرستید و چیزی

را شریک او نسازید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان

و هم‌سایه نزدیک و هم‌سایه دور ... نیکی کنید.»

همین!^۳

بهشان بفهمان که بابرگ چغندر فرق داری

نمی‌گویم توی زندگی این و آن سرک بکش، کنکاش کن؛ می‌گویم از حال و روزشان با خبر باش. ببین درد و گرفتاری‌ای ندارند، بیمار ندارند، توی این شهر، غریب و تنها نیستند. اصلاً همین امروز یک کاسه آش، یک ظرف شله‌زرد یا نه، یک بشقاب از ناهارتان را برادر و برو جلوی در خانه‌شان، سلام کن و احوال‌شان را بپرس. بهانه که کم نیست، برو درشان را بزن و بابت سروصدای دیشب مهمان‌ها عذرخواهی کن. بگذار بدانند که سیب‌زمینی نیستی، با برگ چغندر فرق داری، به فکرشان هستی.

برو تعارف بزن که من ریاضی بلدم، ادبیات خوانده‌ام، از فیزیک و علوم سر در می‌آورم؛ اگر دوست داشته باشید حاضرم با دخترتان، پسران کار کنم. یا این که اگر وسیله برقی‌ای چیزی خراب شد، روی من حساب کنید، من دستی بر آتش دارم. بگذار خوشحال بشوند که یک

۱. «مفاتیح‌الحیاه»، آیت‌الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، چاپ پانزدهم، ص ۳۴۵.

۲. همان، ص ۳۴۱.

۳. سوره مبارکه نساء، آیه ۳۶.